

باسمہ تعالیٰ

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ
وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

سورہ قصص آیہ ۵

«تربیت مہدوی»

ودالات ہامی آن

تعریف تربیت مہدوی:

«ایجاد زمینہ مناسب، برای رشد و شکوفایی فطرت الہی،
درجہت درک مراتبی از عبودیت پروردگار، در راستای حیات طیبه،
مبتنی بر رضایت حجت خدا.»

اردیہشت ۱۴۰۱

رضانباتی

باسمه تعالی

و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم!

سوره قصص آیه ۵

«تربیت مهدوی» و دلالت های آن

اشاره

در تعریف «تربیت مهدوی» چنین آمده است: «ایجاد زمینه مناسب، برای رشد و شکوفایی فطرت الهی، در جهت درک مراتبی از عبودیت پروردگار، در راستای حیات طیبه، مبتنی بر رضایت حجت خدا». در پی انتشار این تعریف و بازخوردهای متفاوت مخاطبان و درخواست برخی از ایشان برای تبیین آن، لازم شد تا دلالت های این تعریف بر اساس اسناد تحولی و شواهد عقلی و نقلی البته به اجمال تقدیم شود. امید که این تلاش اندک، مورد عنایت و نقد و نظر صاحب نظران و علاقمندان به اجرای سند تحول بنیادین قرار گیرد. بی شک راهنمایی سروران و دوستان عزیز بر غنای مطالب خواهد افزود.

مقدمه

پیش از ورود به بحث اصلی، به اهمیت و جایگاه «تعریف» اشاره ای می‌شود. چرا که تعریف در انواع برنامه ریزی درسی و تربیتی و نیز مراحل و مراتب آن از چنان اهمیتی برخوردار است که می‌توان گفت بدون آن، تعیین و تحقق هدف، ناممکن و تلاش ها عمده‌تاً به اتلاف وقت و سرمایه های مادی و معنوی می‌انجامد. از این رو به اختصار به موضوع تعریف، اشاره و سپس به ضرورت ارائه یک تعریف مشخص و قابل قبول از «تربیت مهدوی» پرداخته می‌شود.

اهمیت «تعریف» صحیح و دقیق در رشته ای، بدیهی است. تنها با تعریف دقیق است که وجه امتیاز امور مختلف از یکدیگر آشکار می‌شود و حدود و قلمرو اصلی اشیا و امور، معلوم می‌گردد. در اغلب موارد اختلافی، اگر نخست آن را تعریف کنند و مقصود خود را از آن امر بیان نمایند و معلوم کنند که آن کلمه را به چه معنی به کار می‌برند، شاید اساساً اختلافی بر جای نماند.

تعلیم و تربیت نیز مانند هر علم دیگری قبل از هر چیزی در پی آن است تا تصویری روشن و مشخص و تا حد امکان، جامع و کامل از امور مربوط به خود ارائه کند و گرد ابهام را از آن ها بزداید و چون ترکیب و پیچیدگی تصورات، بزرگ ترین مانع برای روشنی و امتیاز آن ها و در نتیجه پیشرفت علمی است؛ لذا چاره ای جز این نیست که عالمان هر علم، به تحلیل تصورات و مفاهیم به کار رفته در علم خود پردازند؛ یعنی مفاهیم بنیادینی را که تشکیل دهنده و مقوم آن علم هستند، باز نموده و به عبارت دیگر آن ها را تعریف کنند.

برای آن که انسان در تفکرات خود و نتایجی که می‌گیرد، به خطا نیفتد و دیگران را هم به اشتباه نیندازد، باید مفاهیم کلیدی و حتی تک تک واژه های مورد نظر را به روشنی و آسانی تعریف کرده و شرح دهد و معنایی را که در ذهن دارد، در ظرفی مناسب یعنی در لفظی بریزد که آن معنا را به خوبی برساند. بر این اساس، باید اقسام تعریف، شروط تعریف و اصول و قواعد آن را به خوبی بشناسد تا بتواند اولاً در ذهن خود، تصویر اشیا و معنای مفاهیم را به خوبی و درستی تصور و تحلیل کند و ثانیاً آن ها را به نحو درست، به دیگران منتقل کند. بنابراین بیان تعریف دقیق از دیر باز، مورد توجه و اعتنای علمای حوزه تعلیم و تربیت بوده است.



ضرورت ارائه تعریف تربیت مهدوی

تأکید سند تحول بنیادین و زیرنظام اصلی آن یعنی سند برنامه درسی ملی بر «تحقق جامعه جهانی مهدوی» به عنوان «نقطه اوج و حقیقت حیات طیبه» از یک سو و نیاز برنامه ریزان درسی و تربیتی به «تعریف تربیت مهدوی» برای طراحی، تولید و تدوین و نیز اجرای برنامه های درسی و تربیتی از سوی دیگر، اهمیت این مطلب را دو چندان می کند.

در تربیت اسلامی باید «زمینه تربیت» را به گونه ای فراهم کرد تا مربی، مربی را «قبول» کند و این قبول، مقدمه «اطاعت» است و این اطاعت، مقدمه «تحول» و تحول، یعنی حرکت؛ حرکت از خود به سوی خدا و برای خدا و منطبق با اوامر و نواهی او؛ چرا که خداوند به عنوان مربی اصلی انسان (رب العالمین)، «دنیا» را مسیر و راهی برای اهل حرکت قرار داده است. پس اگر دنیا راه است، وظیفه انسان نیز عبور از این مسیر است؛ و او در این عبور (و حرکت)، قاعدتاً نیازمند «راهبر» است که به صورت ملموس، وی را لحظه به لحظه رهبری کند، دست او را بگیرد و نحوه راه رفتن را به او بیاموزد؛ به گونه ای که بتواند از موانع به سلامت عبور کند. بی شک چنین راهبری باید مورد اعتماد رهرو و مربی باشد؛ تا آنجا که اعتماد به وی در مربی تجلی یابد. در همین جاست که ضرورت عصمت و کامل بودن چنین مربی و معلمی کاملاً احساس می شود. چنین «انسان کاملی» می تواند به عنوان مربی، مورد اعتماد سایر انسان ها نیز باشد، تا ایشان تمامی زندگی خویش را در اختیار او قرار دهند و این امام مهربان، آنان را مدیریت و هدایت کند.

اگر در تربیت نسل آینده، عمیق تر بیندیشیم و ایشان را با انسان کامل یعنی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آشنا کنیم، به گونه ای که رضایت آن حضرت را مقدم بر هر چیز، حتی خواسته ها و رضایت خویش بدانند و ضمن تبعیت از رهنمودهای آن مربی حکیم و دلسوز، راه پر پیچ و خم عبودیت و بندگی را در مسیر درک مراتبی از حیاط طیبه ببینند و در نتیجه پرتو هدایت آن حجت الهی، بتوانند به تحلیل مناسبی از زندگی دست یافته و زندگی خویش را با نور قرآن و ولایت، همراه و منور سازند؛ آنگاه می تواند در تشخیص زیبایی از زشتی و حق از باطل به ورزیدگی ارزشمندی نائل شود.

این مهم، می طلبد که «تعریف تربیت مهدوی» به عنوان زیربنا و محور برنامه ریزی در نظام های تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی و آموزش های عمومی و تخصصی در جامعه مورد توجه و پیگیری عمیق تر و وسیع تر متولیان نظام تعلیم و تربیت اسلامی و نیز معلمان و اولیای محترم قرار گیرد.

تعریف تربیت مهدوی

همان طور که قبلاً بیان شد «تربیت مهدوی» یعنی: «ایجاد زمینه مناسب، برای رشد و شکوفایی فطرت الهی، در جهت درک مراتبی از عبودیت پروردگار، در راستای حیات طیبه، مبتنی بر رضایت حجت خدا». این تعریف دارای پنج گزاره اصلی زیر است:

- ۱- ایجاد زمینه مناسب
- ۲- برای رشد و شکوفایی فطرت الهی
- ۳- در جهت درک مراتبی از عبودیت پروردگار
- ۴- در راستای حیات طیبه،
- ۵- مبتنی بر رضایت حجت خدا

اکنون به تبیین اجمالی هر یک از گزاره های پنج گانه این تعریف می پردازیم:

۱- «ایجاد زمینه مناسب»

دشواری امر تربیت و هدایت در این است که انبیاء و اولیای الهی باید در بین این دو ریل حرکت کنند. ریل اول «فَذَكِّرْ، إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ» و ریل دوم «لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٌ» (سوره غاشیه آیات ۲۱ و ۲۲) چرا که پیامبر یا امام معصوم از یک سو مأمور است تا همه مردم را هدایت کند و از سوی دیگر اجازه ای برای استفاده از «زر و زور و تزویر» جهت سلطه بر ایشان ندارد. در توضیح این بخش، به بیان استاد علی صفایی حائری رحمه الله علیه که این گزاره را به زیبایی هرچه تمام تر تبیین می کند، اشاره می شود:



«باید این نسل بیاموزد که پیروزی و شکست او، در رسیدن به اهدافش است. تمام قدرت های تاریخ از فرعون و مأمون گرفته تا موسولینی و هیتلر به اهداف خود رسیدند و حتی اگر هم رسیدند از هدف و مقاصدشان جدا شدند؛ بنابراین همه اشان شکست خوردند. اما انبیاء به اهداف و مقاصد خود رسیدند. فرق اینجاست که ما اهداف انبیاء را با اهداف طواغیت قاطی کرده ام. خیال می کنیم هدف انبیاء این بود که حکومت کنند و سلطه پیدا کنند. در حالی که هدف رسول این بود که «هَدَيْنَا النُّجْدَيْنِ» (و او را به راه خیر و شرفش هدایت نمودیم. / سوره بلد آیه ۱۰) هدف رسول این نبود که آدم ها خوب بشوند؛ بلکه این بود که امکان خوبی را برای آن ها فراهم کند. این خیلی حرف است. زمینه انتخاب را برای آن ها فراهم کند، و کرد. به همین دلیل که کرد، فراعنه از آن ها ترسیدند. به همین دلیل شکنجه اشان دادند. و آلا رسولی را که برای فرعون ضرری ندارد، چرا باید مبتلا محدود و محبوس شود، چرا باید او را شکنجه بدهد؟ ثقل کار رسول را فرعون می فهمد؛ به همین دلیل با او درگیر می شود. سنگینی وجود امام حسین علیه السلام را یزید می فهمد که تحمل نمی کند. اثر وجود امام موسی کاظم علیه السلام را می فهمند که نمی توانند تحملش کنند. مگر غیر از این است؟ مشکل ما این است که پیروزی ها و شکست ها را با اهداف نمی سنجیم؛ بلکه با خواسته های خودمان مقایسه می کنیم. بعد درمی مانیم.»

مربی برای «ایجاد زمینه مناسب تربیت» قبل از هرچیز باید به اهمیت این مطلب، کاملاً واقف بوده و در کلیه مراحل و مراتب تعلیم و تربیت به آن پایبند باشد. برای این منظور باید به موضوعاتی چون، مختار بودن متربی، شایستگی های پایه او، استعدادهای فطری و الهی او، ساحت های ششگانه تعلیم و تربیت و ... توجه کند.

جایگاه اختیار انسان

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، «تربیت» اینگونه تعریف شده است: «فرایندی تعالی جویانه، تعاملی، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی که به منظور هدایت افراد جامعه به سوی آمادگی برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، زمینه های مناسب تکوین و تعالی پیوسته هویت ایشان را در راستای شکل گیری و پیشرفت جامعه صالح اسلامی فراهم می آورد.»

با توجه به عبارت کلیدی «هدایت افراد جامعه به سوی آمادگی برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه» در این تعریف و با عنایت به سایر مباحث مرتبط با موضوع «اختیار» در اسناد تحولی، تکلیف اولین گزاره از گزاره های پنج گانه تعریف تربیت مهدوی روشن است؛ در متن اسناد تحولی نیز به کرات به مفهوم اختیار و اهمیت آن در تربیت اشاره شده است. (مانند مدرسه در افق چشم انداز ۱۴۰۴، راهکار ۱/۷ و راهکار ۲/۱۳ در سند تحول بنیادین و مبانی انسان شناسی و ضرورت و کارکرد حوزه حکمت و معارف اسلامی در سند برنامه درسی ملی)^۱

۱ الف- سند تحول بنیادین

۳-۱ - مدرسه در افق چشم انداز ۱۴۰۴: نقش آفرین در انتخاب آگاهانه، عقلانی، مسئولانه و اختیاری فرآیند زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی دانش آموزان بر اساس نظام معیار اسلامی. راهکار ۱/۷ - فراهم آوردن زمینه های لازم برای نقش آفرینی مدرسه به عنوان کانون کسب تجربیات تربیتی محله و جلوه ای از جامعه اسلامی و حیات طیبه با تفویض اختیار و مسئولیت به آن و استانداردهای تمام مولفه ها و عوامل درون مدرسه ای.

راهکار ۲/۱۳ - افزایش کارآمدی شوراهای درون مدرسه (مانند شورای معلمان و شورای دانش آموزان) با تفویض برخی از اختیارات اداره و مدرسه به آنان، فراهم آوردن زمینه مشارکت بیشتر ایشان در فرآیند تعلیم و تربیت مدرسه.

ب - سند برنامه درسی ملی

۱/۲ - مبانی انسان شناسی: ۱/۱/۵ - انسان موجودی صاحب اختیار در تعیین سرنوشت خویش است که میتواند مستقل از عواملی چون محیط و وراثت، هویت خویش را رقم بزند. انسان مجبور در اختیار و مختار در عمل است و بر اساس انتخاب خویش میتواند هویت خویش را تعریف کند.

ضرورت و کارکرد حوزه (حکمت و معارف اسلامی): فرآیند تربیت باید به گونه ای باشد که طی آن تفکر و تعقل و حکمت پرورش یابد. تقویت این توانایی، ایمان، باور، دانش و عملکرد انسان را تحت تأثیر قرار داده و زمینه تعالی او را فراهم می سازد. فرآیند اصلی در عمل اختیاری و آگاهانه انسان که باید در معارف اسلامی مورد نظر باشد، فرآیند شناخت فکورانه، ایمان آگاهانه و عمل ارادی است. عملی ارزشمند است که حاصل ایمان به دین باشد؛ ایمانی که مبتنی بر معرفت و شناخت و حاصل تفکر و تعقل فرد باشد.



از دیگر نکات مهمی که درباره نقش آزادی و اختیار باید به آن توجه کرد، موضوع و مفهوم «شایستگی های پایه»^۲ است. بدین منظور نظام آموزش عمومی باید زمینه کسب شایستگی های پایه را فراهم کند. برای نقش آفرینی در امر تحقق حیات طیبه برای فرد و جامعه، با توجه به روند تکوین و تحول هویت، لازم است متریبان نخست مجموعه‌ای از شایستگی‌های لازم را کسب نمایند و از آنجا که «کسب شایستگی های پایه، مستلزم داشتن اختیار و آزادی است.» یقیناً مؤلفه ایجاد زمینه مناسب تربیت و یادگیری موضوعیت پیدا می کند. تعلیم و تربیت دارای حوزه‌های مختلفی است، حوزه‌هایی که در آن نیازهای مشترک و هم‌عرض انسان‌ها قرار گرفته است که از آن با اصطلاح «ساحت‌های تربیتی»^۳ یاد می شود. در گزاره‌های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی، به جامعیت؛ یکپارچگی و توازن ساحت های شش گانه توجه شده است. ضمن آن که در ساحت تربیتی اعتقادی، عبادی و اخلاقی، موضوع «پذیرش آزادانه و آگاهانه دین اسلام» تصریح شده است.

خلاصه سخن آن که در تعریف تربیت مهدوی، «ایجاد زمینه مناسب» از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

۲- «برای رشد و شکوفایی فطرت الهی»

انسان می تواند «با تکیه بر فطرت» و استعدادهای طبیعی خود و با استفاده از نیروی عقل و اختیار و اراده خویش، به معرفت دست یابد و معرفت ایجاد شده می تواند زمینه میل و گرایش را در او فراهم سازد. نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی به عنوان عامل اثرگذار اجتماعی و مولد نیروی انسانی و سرمایه فرهنگی و معنوی وظیفه رشد و تعالی همه جانبه و پایدار و اعتلای فرهنگ عمومی مبتنی بر نظام معیار اسلامی را بر عهده دارد. به نحوی که طبق سند تحول بنیادین ارتقای نقش نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و خانواده در رشد و تعالی کشور، بسط و اعتلای فرهنگ عمومی و زمینه سازی برای اقتدار و مرجعیت علمی و تکوین تمدن اسلامی- ایرانی در راستای تحقق جامعه جهانی عدل مهدوی با تأکید بر تعمیق معرفت و بصیرت دینی و سیاسی و ... از اهداف کلان این سند است. (فصل پنجم) همچنین ارتقاء معرفت و بصیرت دینی، انقلابی و سیاسی برای رشد و تعالی معنوی و اخلاقی معلمان و دانش آموزان و مشارکت برای ارتقای معنوی خانواده و همچنین طبقه بندی و متناسب سازی موضوعات تربیتی و اخلاقی با مراحل رشد و ویژگیهای دانش آموزان و اهداف و نیازهای نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و جامعه از دیگر اهداف این سند است. (هدفهای کلان ۵، ۱، ۲، ۴) به نحوی که در **راهکار ۱-۸** چنین آمده است «**اصلاح، ارتقاء و تغییر نگرش به آموزش و پرورش به عنوان سازمان فراگیر و نیروی اثرگذار اجتماعی در خدمت اهداف رشد و تعالی کشور به ویژه اهداف فرهنگی و اجتماعی**»

چشم انداز نظام تعلیم تربیت اسلامی در فصل پنجم از سند تحول بنیادین، چنین توصیف شده است: «نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در افق ۱۴۰۴، با اتکاء به قدرت لایزال الهی، مبتنی بر نظام معیار اسلامی، فرهنگ و تمدن اسلامی- ایرانی و قوام بخش آنها و زمینه ساز جامعه جهانی عدل مهدوی و برخوردار از توانمندیهای تربیتی ممتاز در طراز جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه، الهام بخش و دارای تعامل سازنده و مؤثر با نظام های تعلیم و تربیتی در سطح جهان، توانمند در زمینه سازی برای شکوفایی فطرت و استعدادها و شکل گیری هویت یکپارچه اسلامی، انقلابی- ایرانی دانش آموزان با توجه به هویت اختصاصی آنان؛ ...»

۲ شایستگی های پایه در سند تحول بنیادین: «مجموعه ای ترکیبی از صفات و توانمندیهای فردی و جمعی ناظر به همه جنبه های هویت (عقلانی، عاطفی، ارادی و عملی) و نیز تمام مؤلفه های جامعه بر اساس نظام معیار اسلامی است، که متریبان برای دستیابی به مراتب حیات طیبه جهت درک موقعیت خود و دیگران و عمل فردی و جمعی برای بهبود مستمر آن، باید این گونه صفات و توانمندی ها را «کسب» کنند.»

۳ ساحت های شش گانه در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش عبارت هستند از ساحت تربیتی اعتقادی، عبادی و اخلاقی، ساحت تربیت اقتصادی و حرفه ای، ساحت تربیت علمی و فناوری، ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی، ساحت تربیت زیستی و بدنی، ساحت تربیت زیبایی شناختی و هنری (مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش)



۳- «در جهت درک مراتبی از عبودیت پروردگار»

علاوه بر آن که یکی از ساحت های ششگانه سند تحول بنیادین به «ساحت تربیتی اعتقادی، عبادی و اخلاقی» اختصاص دارد؛ اما این موضوع رویکرد اصلی و ذاتی نظام معیار اسلامی نیز هست. چرا که هدف خلقت جنّ و انس نیز عبودیت پروردگار است. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (سوره ذاریات آیه ۵۶). مبانی و ارزش های مبتنی بر دین اسلام ناب محمدی یا سازگار با آن، و یا مشتمل بر سلسله مراتبی از ارزش هاست که ناظر به همه ابعاد زندگی انسان است؛ زیرا دین اسلام به همه عرصه های امور اجتماعی و فردی، دنیوی و اخروی، مادی و معنوی زندگی بشر پرداخته است (نفی سکولاریسم). هر چند نسبت به پاره ای از این عرصه ها، به عرصه کلیات اکتفا و نسبت به بخشی دیگر، جزئیات را نیز ذکر کرده است (سند تحول بنیادین).

درک مراتبی از عبودیت پروردگار، با کسب شایستگی های پایه متریبان ارتباط مستقیم دارد. به عبارت دیگر، متریبان برای دستیابی به مراتبی از عبودیت، با درک موقعیت خود و دیگران و عمل فردی و جمعی برای بهبود مستمر آن، صفات و توانمندی های لازم را کسب می کنند. (سند تحول بنیادین)

۴- «در راستای حیات طیبه»

«حیات طیبه، وضع مطلوب زندگی بشر در همه ابعاد و مراتب، بر اساس نظام معیار اسلامی (مبانی و ارزش های مقبول دین الهی) است که تحقق آن باعث دستیابی به غایت زندگی، یعنی قرب الی الله خواهد شد. اینگونه زندگانی مستلزم ارتباط آگاهانه و اختیاری با حقیقت هستی و تشدید رابطه با او در همه شؤون فردی و اجتماعی زندگی است که باید بر اساس انتخاب و التزام آگاهانه و آزادانه نظام معیار مناسب با دین اسلام باشد.» (سند تحول بنیادین) بنابراین، یکی از مشخصات اصلی حیات طیبه، **تکیه بر ارزش غایی زندگی - قرب الی الله - و نظام معیار متناسب با آن** یعنی مبانی و ارزش های مقبول دین اسلام است. زیرا با توجه به لزوم پذیرش ربوبیت خداوند متعال، به عنوان یگانه رب حقیقی جهان و انسان (عبودیت پروردگار)، این نظام معیار، جهت اساسی نحوه تحقق حیات طیبه را در همه مراتب و ابعاد زندگی با این نظام (تقوا)، وجه تمایز اساسی حیات طیبه از زندگی غیردینی (سکولار) رایج محسوب می شود.

در بیانیه مأموریت نظام تعلیم و تربیت اسلامی (فصل سوم) چنین آمده است: «این نهاد مأموریت دارد با تأکید بر شایستگی های پایه، زمینه دستیابی دانش آموزان در سنین لازم التعلیم، طی ۱۲ پایه (چهار دوره تحصیلی سه ساله) تحصیلی به **مراتبی از حیات طیبه** در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی و جهانی را به صورت نظام مند، همگانی، عادلانه و الزامی در ساختاری کارآمد و اثر بخش، فراهم سازد. انجام این مهم نقش زیرساختی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی خواهد داشت.»

حیات طیبه یعنی زندگی ای که نیازهای مادی، جسمانی و معنوی - علمی، عملی و روحی - آدمی را پاسخگو باشد. پایه های حیات طیبه، در قرآن کریم و آموزه های پیشوایان معصوم علیهم السلام تبیین شده اند. در قرآن کریم مبانی اساسی حیات طیبه معرفی شده اند که شناخت آنها، زمینه تحقق چنین حیاتی را برای انسان فراهم می کند. اجابت دعوت خدا و رسول، ایمان و عمل صالح، شکوفایی عقل و خرد انسانی از مهم ترین آنها می باشند.

حیات طیبه یعنی زندگی پاکیزه از هر نظر؛ پاکیزه از آلودگی ها، ظلم ها، خیانت ها، دشمنی ها، اسارت ها، ذلت ها و انواع نگرانی ها و هر گونه چیزی که آب زلال زندگی را در کام انسان ناگوار می سازد؛ به دیگر سخن، حیات طیبه، یعنی زندگی ای که نیازهای مادی، جسمانی و معنوی - چه علمی، چه عملی، چه روحی - آدمی را پاسخگو باشد. همچنین با توجه به این که در دنبال آن، سخن از جزای الهی به نحو احسن به میان آمده، استفاده می شود که حیات طیبه مربوط به دنیا و جزای احسن مربوط به آخرت است.

پایه های حیات طیبه، در قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام تبیین شده اند. در قرآن کریم مبانی اساسی حیات طیبه معرفی شده اند که شناخت آنها، زمینه تحقق حیات طیبه را برای انسان فراهم می کنند. مهم ترین آنها عبارتند از:



۱- اجابت دعوت خدا و رسول

آیه ۲۴ سوره انفال به صراحت می‌گوید که دعوت اسلام، دعوت به سوی زندگی معنوی است: «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ...**» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید، هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که شما را حیات می‌بخشد. ...

مقصود از حیاتی که با دعوت انبیا فراهم می‌آید، حیات حیوانی نیست؛ زیرا بدون دعوت انبیا نیز این نوع حیات وجود دارد؛ بلکه مقصود حیات فکری، عقلی و معنوی، اخلاقی و اجتماعی و بالأخره حیات و زندگی در تمام زمینه‌ها می‌باشد که تعبیر دیگر آن، حیات طیبه است.

۲- ایمان و عمل صالح

ایمان و عمل صالح، زمینه‌ها و بسترهای اصلی حیات طیبه هستند که در آیه ۹۷ سوره نحل بیان شده است: «**مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ، وَ هُوَ مُؤْمِنٌ، فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً؛ وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ**»

طبق این آیه، حیات طیبه غیر از ایمان، به عمل صالح نیز احتیاج دارد. البته ایمان راستین، عمل صالح را به وجود می‌آورد و عمل صالح هم ایمان را زیاد می‌کند. هر گامی که مؤمن در راه انجام اعمال صالح برمی‌دارد، به ایمان خود می‌افزاید؛ از دید ایمان و رشد و پرورش روحی، کردار شایسته را به دنبال دارد. معیار برخورداری از حیات طیبه، ایمان و بردباری در جهاد با هواهای نفسانی است. شایان ذکر است که حیات طیبه خود دارای درجات و مراتب است و به هر نسبت که انسان بر ایمان و عمل صالح خود بیفزاید، حیات طیبه او نیز موجودیت و شدت بیشتر یافته و بر درجات روحی و تعالی معنوی او افزوده می‌شود. در واقع حیات حقیقی انسان دارای مراتب و بطون است که این مراتب به صورت استعداد در وجود آدمی به ودیعه نهاده شده است. مزین شدن به گوهر دین و طی مراتب و درجات دینداری، استعدادهای ویژه انسان برای نیل به درجات والای حیات را شکوفا می‌کند.

۳- شکوفایی عقل و خرد انسانی

انسان به وسیله رشد صحیح عقل و بهره‌برداری آن در جهت هدف آفرینش می‌تواند از ایمان و حیات طیبه برخوردار شود. در مقابل، قرآن کریم کافر را به جهت عدم تعقل و خردورزی، مرده و فاقد حیات می‌داند: «**أَمْ مَنْ كَانَ مِيتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا؛ كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ**» آیا کسی که مرده بود، سپس او را زنده کردیم، و نوری برایش قرار دادیم که با آن در میان مردم راه برود، همانند کسی است که در ظلمت‌ها باشد و از آن خارج نگردد؟! این‌گونه برای کافران، اعمال (زشتی) که انجام می‌دادند، تزئین شده [و زیبا جلوه کرده] است. (سوره انعام آیه ۱۲۲)

این آیه شریفه؛ از نورانیت و حیات معنوی مؤمن و تاریکی و مرگ غیرمؤمن سخن می‌گوید. در صدر آیه مورد بحث، سخن از کسی است که خدا به او حیاتی ویژه و نورانیتی خاص داده و در ذیل آن به نحو تقابل از کافران سخن رفته است. از این تقابل معلوم می‌شود که کافر در فرهنگ قرآن مرده و فاقد حیات معنوی است.

۵- «مبتنی بر رضایت حجت خدا»

حجت از محوری‌ترین اصول اندیشه شیعه به‌ویژه در موضوع امامت است. به این مفهوم که در هر دوره‌ای از تاریخ انسان، فرد شاخص و منحصربه‌فردی وجود دارد که نشانه و گواهی از سوی خداست. آنچنان که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمودند: «**مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً**» هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناخته باشد، به مرگ جاهلی مرده است. (مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۲۴۶)

معرفت و شناخت نسبت به **حجت خدا**، در بینش و منش ما تأثیر گذاشته و به زندگی ما شکل و چارچوب می‌دهد. این اندیشه، وحدت عملکردی را در سطحی خاص بین پیامبران و امامان نشان می‌دهد، اندیشه‌ای که بیانگر آن است که واسطه نهایی بین خدا و بشریت باید یک فرد باشد، نه یک متن. براین اساس، برخی صفات از ضروری‌ترین ویژگی‌های امام در نظر گرفته شده که علم، عدالت، عصمت (مصونیت از اشتباه) از این موارد است. در ادبیات حدیثی، «حجت» به‌عنوان لقبی برای امامان یا اصطلاحی برای مهم‌ترین ویژگی معنوی آنان مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ و امام به‌عنوان «**حجت خدا**» و استدلال قاطع خداوند یا «**حجت بالغه**» مطرح می‌شود.



بر اساس مبانی قرآن کریم و معارف اهل بیت علیهم السلام «اساس دینداری، اطاعت است.» طبق روایات، شیطان ۶۰۰۰ سال عبادت کرده بود، اما چون اطاعت نکرد، مترود الهی شد. بنابراین عبادت، عبودیت نیست. در جنگ صفین امیر المؤمنین فرمودند به این قرآن های بر نیزه افراشته، اعتنا نکنید. آنان که از امام خود اطاعت کردند، دیندار بودند و آنان که بی اعتنائی کردند و لو اهل نماز و تهجد شب هم بودند، به واقع دیندار نبودند. از این رو اطاعت، مهمتر از عبادت است. برخی از شهدای کربلا در لحظه شهادت، وقتی امام حسین علیه السلام را بالای سر خود می دیدند. عرض می کردند «**أَوْفَيْتُ يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ؟**» (آیا به وظیفه ام عمل کردم و وفا نمودم) و امام پاسخ می دهد «**نَعَمْ، أَنْتَ أَمَامِي فِي الْجَنَّةِ**» (آری، تو پیشاپیش من به بهشت خواهی رفت).

ما نیز باید اطاعت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه را مبنای دینداری خود قرار دهیم و هر روز خطاب به حضرتش عرض کنیم «**أَرْضَيْتُ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ؟**» اگر خودمان این مفهوم را درک کرده و در زندگی فردی و اجتماعی تبدیل به فرهنگ کنیم، آن وقت می توانیم آن را به نسل آینده نیز بیاموزیم. در حقیقت امکان حیات طیبه در این دنیا وجود دارد و صرفاً محدود به آخرت نیست. این حیات در سایه حجت خدا و سبک زندگی مهدوی محقق می شود و می توان با همین لوازم دنیایی به آن دست یافت. سند تحول بنیادین نیز آموزه های بنیادین مهدویت و انتظار را رمز هویت اسلام ناب و عامل حیات و بقای آن در عصر غیبت به عنوان مهمترین رسالت منتظران در عصر غیبت، معرفی می کند و نقطه اوج و حقیقت حیات طیبه را در جامعه جهانی مهدوی محقق می داند. (فصل دوم) تا آنجا که هدف کلان خود را «... تحقق جامعه جهانی عدل مهدوی با تأکید بر تعمیق معرفت و بصیرت دینی و سیاسی، التزام به ارزش های اخلاقی، وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران، اعتقاد و التزام عملی به اصل ولایت مطلقه فقیه و مردم سالاری دینی ...» قرار می دهد.

چگونگی اطاعت از حجت خدا در دوران غیبت

حدیثی از امام زمان علیه السلام در طول دوره غیبت وجود دارد که در آن، ایشان جامعه را به جست و جوی پیشوایان مذهبی از محدثان شیعه، هدایت و آنان را به عنوان «**حجّت عام**» بر شیعیان معرفی می کنند. در دوران غیبت، این حدیث مبنای مهمی برای نظریه «**ولایت فقیه**» مطرح شد و امام خمینی ره نیز در دفاع از این نظریه درباره اختیارات ولی فقیه از آن بهره جست. در دوران غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه، این هویت ارزشی باید درک و حفظ شود. این هویت، زمانی درک می شود که در قالب یک شخصیت تعریف شده آن را بیان کنیم. شخصیت تعریف شده همان «**انسان منتظر**» است. انسان منتظر کسی است که خود را برای یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه آماده کرده باشد. یاری امام زمان علیه السلام مشروط به دوران ظهور ایشان نیست، بلکه در عصر غیبت نیز ممکن است. «**انتظار**» یعنی زمینه سازی برای یاری بایسته و شایسته امام مهدی عجل الله تعالی فرجه. این انتظار می تواند در عصر غیبت و ظهور نمادهای مختلفی داشته باشد.

انسان منتظر، بر اساس مبانی اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله، ضمن تلاش در جهت گسترش ظرفیت وجودی خود، مقابل «حوادث واقعه» اعم از بحران های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و اخلاقی، زمینه ای را ایجاد می کند تا در هر موقعیتی به صورت مستمر در جهت اصلاح و ارتقاء خود و دیگران، مبتنی بر رضایت حجت خدا، اقدامات بایسته و شایسته انجام دهد. بنابراین انسان منتظر، هم منتظر ظهور است و هم منتظر حاکمیت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه؛ و این حاکمیت، محدود به عصر ظهور نمی شود و می توان آن را در عصر غیبت هم جاری و ساری کرد. این حاکمیت زمانی پدید می آید که حضور امام زمان علیه السلام را باور کرده و غیبت ایشان را به معنای عدم ظهور بدانیم و نه عدم حضور. پس از درک این حضور، همه رفتار و اعمال ما در مسیر ظهور و رضایت حجت خدا عجل الله تعالی فرجه قرار می گیرد؛ چنان که در عبارت شریف دعای عهد می خوانیم:

«اللَّهُمَّ اكشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ، وَ عَجِّلْ لَنَا ظَهْرَهُ، إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا؛ وَ نَرَاهُ قَرِيبًا؛ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»

الف - سند تحول بنیادین:

فصل دوم: حیات طیبه

وضع مطلوب زندگی بشر در همه ابعاد و مراتب، بر اساس نظام معیار اسلامی (مبانی و ارزشهای مقبول دین الهی) است که تحقق آن باعث دستیابی به غایت زندگی یعنی قرب الی الله خواهد شد. اینگونه زندگانی مستلزم ارتباط آگاهانه و اختیاری با حقیقت هستی و تشدید رابطه ی با او در همه شئون فردی و اجتماعی زندگی است که باید بر اساس انتخاب و التزام آگاهانه و آزادانه ی نظام معیار مناسب با دین اسلام باشد. بنابراین، یکی از مشخصات اصلی حیات طیبه، تکیه بر ارزش غایی زندگی - قرب الی اهلل - و نظام معیار متناسب با آن یعنی مبانی و ارزش های مقبول دین اسلام است. زیرا با توجه به لزوم پذیرش ربوبیت خداوند متعال، به عنوان یگانه رب حقیقی جهان و انسان، این نظام معیار، جهت اساسی نحوه تحقق حیات طیبه را در همه مراتب و ابعاد زندگی با این نظام (تقوا)، وجه تمایز اساسی حیات طیبه از زندگی غیردینی (= سکولار) رایج محسوب می شود. که نقطه اوج و حقیقت آن در جامعه جهانی مهدوی محقق می گردد.

فصل دوم: بیانیه ارزشها

گزاره های ارزشی مندرج در بیانیه ارزش ها، باید ها و نبایدهایی اساسی است که الزم است تمام اجزا و مؤلفه های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی هماهنگ با آنها بوده و همه سیاستگذاران و کارگزاران نظام ملتزم و پای بند به آنها باشند. این ارزش ها بر اساس آموزه های قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرات اهل بیت علیهم السلام، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهنمودهای رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری و سند چشم انداز بیست ساله و نقشه جامع علمی کشور و سیاستهای کلی تحول نظام آموزشی تهیه و تدوین شده است و با مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (شامل فلسفه تعلیم و تربیت، فلسفه تعلیم و تربیت رسمی عمومی و رهنامه نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران) سازگار و مستند به مضامین مندرج در آنها میباشد. گزاره های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی عبارتند از:

۱- آموزه های قرآن کریم، نقش معنوی، اسوه ای، هدایتی و تربیتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و ائمه معصومین علیهم السلام به ویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه و ولایت مداری در تمام ساختها برای تحقق جامعه عدل جهانی (جامعه مهدوی)
تبصره: اقلیتهای مذهبی مصرح در قانون اساسی بر اساس قوانین موضوعه اقدام خواهند کرد.

۲- آموزه های بنیادین مهدویت و انتظار که رمز هویت اسلام ناب و عامل حیات و بقای آن در عصر غیبت است. به عنوان مهمترین رسالت منتظران در عصر غیبت می باشد

۳- میراث نظری و عملی حضرت امام خمینی (ره)، تعمیق علاقه و پیوند با انقلاب اسلامی، قانون اساسی و ولایت فقیه.

۴- فرآیند تعلیم و تربیت در تمام ساختهای تعلیم و تربیت شامل تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی، تعلیم و تربیت زیستی و بدنی، تعلیم و تربیت زیبا شناختی و هنری، تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه ای، تعلیم و تربیت علمی و فناوریانه منطبق بر نظام معیار اسلامی مبانی و ارزشهای برگرفته از قرآن کریم، سنت حضرات معصومین علیهم السلام و عقل که تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی در آن محوریت دارد.

۱۱- جامعیت، یکپارچگی و توجه متوازن به ساختهای تعلیم و تربیت.



فصل چهارم : چشم انداز

نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در افق ۱۴۰۴، با اتکاء به قدرت لایزال الهی، مبتنی بر نظام معیار اسلامی، فرهنگ و تمدن اسلامی- ایرانی و قوام بخش آنها و زمینه ساز جامعه جهانی عدل مهدوی و برخوردار از توانمندیهای تربیتی ممتاز در طراز جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه، الهام بخش و دارای تعامل سازنده و مؤثر با نظام های تعلیم و تربیتی در سطح جهان، توانمند در زمینه سازی برای شکوفایی فطرت و استعدادها و شکل گیری هویت یکپارچه اسلامی، انقلابی- ایرانی دانش آموزان با توجه به هویت اختصاصی آنان؛ کارآمد، اثر بخش، یادگیرنده، عدالت محور و مشارکت جو، برخوردار از مریبان ومدیران مومن آراسته به فضائل اخلاقی اسلامی، عامل به عمل صالح، تعالی جو و تحول آفرین، انقلابی، آینده نگر، عاقل، متعهد، امین، بصیر، حق شناس.

فصل پنجم : هدف های کلان

۱- تربیت انسانی موحد، مؤمن و معتقد به معاد و آشنا و متعهد به مسئولیت ها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت، حقیقت جو و عاقل، عدالت خواه و صلح جو، ظلم ستیز، جهادگر، شجاع و ایثارگر و وطن دوست، مهرورز، جمع گرا و جهانی اندیش، ولایت مدار و منتظر و تلاشگر در جهت تحقق حکومت عدل جهانی، با اراده و امیدوار، خودباور و دارای عزت نفس، امانتدار، دانا و توانا، پاکدامن و با حیا، انتخابگر و آزاد منش، متخلق به اخلاقی اسلامی خلاق و کارآفرین و مقتصد و ماهر، سالم و بانشاط، قانون مدار و نظم پذیر و آمادگی ورود به زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی بر اساس نظام معیار اسلامی

۲- ارتقای نقش نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و خانواده در رشد و تعالی کشور، بسط و اعتالی فرهنگ عمومی و زمینه سازی برای اقتدار و مرجعیت علمی و تکوین تمدن اسلامی- ایرانی در راستای تحقق جامعه جهانی عدل مهدوی با تأکید بر تعمیق معرفت و بصیرت دینی و سیاسی، التزام به ارزشهای اخلاقی، وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران، اعتقاد و التزام عملی به اصل ولایت مطلقه فقیه و مردم سالاری دینی، تحکیم وحدت ملی، تقویت روحیه علمی، رعایت حقوق و مسئولیت های اجتماعی، ارتقای آداب و آئین زندگی متعالی، بهداشتی و زیست محیطی

فصل هفتم : هدف های عملیاتی و راهکارها

۱- پرورش تربیت یافتگانی که دین اسلام را حق دانسته و آن را به عنوان نظام معیار می شناسند و به آن باور دارند و آگاهانه، آزادانه، شجاعانه و فداکارانه برای تکوین و تعالی اخلاقی خود و دست یابی به مرتبهای از حیات طیبه و استقرار حکومت عدل جهانی مهدوی از آن تبعیت می نمایند و به رعایت احکام و مناسک دین و موازین اخلاقی مقید هستند.

راهکار ۴-۱-۱ ایجاد ساز و کارهای ترویج و نهادینه سازی^ی، امریه معروف و نهی از فرهنگ ولایت مداری^ی تولی و تبر منکر، روحیه جهادی و انتظار «زمینه سازی برای استقرار دولت عدل مهدوی عجل الله تعالی فرجه» با تأکید بر بهره گیری از ظرفیت حوزههای علمیه و نقش الگویی معلمان و اصلاح روش ها

راهکار ۵-۸ تبیین دستاوردهای علمی و فنی تمدن اسلامی- ایرانی در برنامه های درسی و آموزشی و تقویت باور و روحیه مسئولیت پذیری دانش آموزان برای تحقق تمدن ۴۳ نوین اسلامی در راستای دستیابی به جامعه عدل مهدوی عجل الله تعالی فرجه



ب - برنامه درسی ملی

چشم انداز

برنامه های درسی و تربیتی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران در راستای فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی، با تکیه بر میراث گرانبها و ماندگار رسول الله صل الله علیه و آله - قرآن کریم و عترت علیهم السلام - تحقق جامعه عدل مهدوی عجل الله تعالی فرجه و چشم انداز نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در افق ۱۴۰۴ با ۱ موحد، مؤمن و معتقد به معاد و آشنا و متعهد بهره گیری از الگویی پیشرفته و بومی زمینه تربیت نسلی به مسئولیتها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت، حقیقت جو و خردمند، دانش پژوه و علاقمند به علم و آگاهی، عدالتخواه و صلح جو، ظلم ستیز، جهادگر، شجاع و ایثارگر و وطن دوست، مهرورز، جمعگرا و جهانی اندیش، ولایت مدار و منتظر و تلاشگر در جهت تحقق حکومت عدل جهانی، با اراده و امیدوار، خود باور و دارای عزت نفس، امانتدار، دانا و توانا، پاکدامن و با حیا، انتخابگر و آزاد منش، متخلق به اخلاق اسلامی، خلاق و کار آفرین، مقتصد و ماهر، سالم و با نشاط و انقلابی و آماده ورود به زندگی شایسته قانون مدار و نظم پذیر، وفادار به ارزش های اسلامی، ملی، فردی، خانوادگی و اجتماعی بر اساس نظام معیار اسلامی را فراهم می سازد.

این برنامه ها دارای ویژگی های زیر است: ...

۸- تأکید کننده بر نقش مدرسه به عنوان جلوهای از تحقق مراتبی از حیات طیبه و زمینه ساز جامعه عدل مهدوی عجل الله تعالی فرجه و کانون اصلی تحقق اهداف برنامه های درسی و تربیتی

۱۰- اصول حاکم بر ارزش یابی پیشرفت تحصیلی و تربیتی ...

۱۱-۱۰- با تأکید بر بهره گیری از تکالیف عملکردی در سنجش میزان دستیابی دانش آموزان به شایستگی ها و تلاش برای تحقق جامعه عدل مهدوی عجل الله تعالی فرجه و دستیابی به مراتبی از حیات طیبه، گزارش عملکرد تحصیلی و تربیتی آنان با همکاری دانش آموز، اولیا مدرسه و والدین تنظیم و ارایه شود.

فرآیند تولید برنامه های درسی و تربیتی حوزه های تربیت و یادگیری

۲- تحلیل اهداف کلان آموزش و پرورش و ویژگی های حیات طیبه و جامعه عدل مهدوی عجل الله تعالی فرجه بر اساس سند تحول بنیادین

۱- سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی موظف است چارچوب راهنمای برنامه درسی حوزه های تربیت و یادگیری و همچنین آییننامه مورد نیاز برای اجرایی کردن راهکار ۵ - ۵ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش را حداکثر ظرف مدت ۶ ماه تهیه و جهت بررسی و تصویب به شورای عالی آموزش و پرورش ارائه نماید.



فرآیند تولید برنامه‌های درسی و تربیتی حوزه‌های تربیت و یادگیری



۱- سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی موظف است چارچوب راهنمای برنامه درسی حوزه‌های تربیت و یادگیری و همچنین آیین‌نامه مورد نیاز برای اجرایی کردن راهکار ۵-۵ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش را حداکثر ظرف مدت ۶ ماه تهیه و جهت بررسی و تصویب به شورای عالی آموزش و پرورش ارائه نماید.